

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زارگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - ۸۸۶۷۷۴۶۹ - نمابر:
توزیع: تفرق ناوآران جهان رسانه ایرسا - تلفن: ۸۸۸۳۳۲۹۰
امور فنی، آتلیه و بیتوگرافی: تلفن:
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۷ - ۶۶۸۲۳۳۴۶

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۵۳ ■ شماره ۱۲۹ دوره جدید ■ شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۸۹ ■ ۲۴ رمضان ۱۴۳۱ ■ ۴ سپتامبر ۲۰۱۰

حضور مونیکا بلوچی در «کتاب راهنمای عشق»

«مونیکا بلوچی» بازیگر سرشناس ایتالیایی به سومین قسمت از فیلم «کتاب اهنمای عشق» پیوست. تهیه‌کننده پروژه فیلم «کتاب راهنمای عشق» ۳۲ که پیشتر «ارباب دونیرو» در آن بازی کرده بود، از حضور «مونیکا بلوچی» در این فیلم یاد می‌کند. اخیراً بازیگر ایتالیایی در فیلم از اوامه ماه جاری میلادی در شهر رم مقابل دوربین خواهد رفت و «ارباب دونیرو» نقش استاد دانشگاه را در آن بازی می‌کند. به گزارش ایسنا به نقل از رابرایو، دو قسمت قبلی این فیلم مجموعاً ۴۵ میلیون دلار در ایتالیا فروش به دست آورد.

تهران: اذان ظهر ۰۳: ۱۳ اذان مغرب ۴۶: ۱۹ اذان صبح فردا ۱۳: ۵ طلوع آفتاب ۳۹: ۶



کار مقفول و پسندیده آن است که در هر دعوائی سطح مرتبه آن دعوا را حقیقت کنیم و به وادی‌های دیگر نکشایم. یعنی اگر مردم دعوائی علمی می‌کنند و برای اثبات حقایق‌مان، مستندات علمی روی میز می‌گذاریم، بیکاره در تنگنا، از علم به اخلاقی سر نخوریم و طرف مقابل را به بی‌اخلاقی مقفول نکنیم. باید دلسپیده‌ای این حکایت معروف را که دو مرد بر سر سابقیت درآمایشان بحث می‌کردند، دلیل می‌آورند که به طرف مقابل بقبولاند که مرادشان برتر است. این دلائل عمدتاً عقلی و نقلی بودند، اما یکی از طرفین با یاد نکرد، بیکاره مراد طرف مقابل را به یک کار کزشت و بد متهم کرد و گفت: «اصلاً فلائی ... بود است.» به خیال خود بحث را مغلوبه کرد. رعایت قواعد دعوا، به نوعی حتی مهم‌تر از خود دوستیست. تنها زمان برزق هستند که وقتی می‌آورند بدعوت، برای طرف مقابل می‌گذارند. کبر و اخلاقی و اعتدال و انصاف حکم می‌کند که آدم مراقب روند بحث و دعوا و حتی جنگ باشد. بزرگان ما از این خصوصیت در فرد مقید بودند که حتی در مباحث عقلی خود خوانده می‌رعرع را که بر احساسات می‌می‌آورد و از دایره عقل بیرون می‌برد، حرام می‌دانستند. از این مقدمه منظور این است که وسط یک دعوائی سیاسی و حتی اعتقادی روی درستی نیست که زن طرف دعوا، به فاحشگی می‌کنیم. مگر برای دعوایمان با غرب، الحمله به اندازه کافی دلیل عقلی و بحث اعتقادی و اخلاقی داریم و در هر خیلی می‌توانیم طرف مقابل را سر جایش بنشانیم. پس خیلی ندارد که بیکاره بانوی اول فرانسه را فاحشگی بنامیم و بر انتصاف این صفت اصرار هم بورزیم. اینکه این زن چه کاره است و چه اخلاقی دارد به ما مربوط نیست. لاف‌ل بازی فعلاً به دعوائی سیاسی و اعتقادی ما با غرب مربوط نمی‌شود. کما اینکه ما در انتخاب دوستان سیاسی‌مان در جهان نیز خیلی دنبال این نیستیم که موجودات علیه‌السلامی پیدا کنیم که بشود روی اسم‌شان قلم خورد. ممکن است بانوی اول فلان کشور دوست و برادر هم چندانی پایبند مسائل اخلاقی نباشد، مهم نیست و ما که نمی‌خواهیم پیش سرشان نماز بخوانیم، ما باید با دیپلماسی فعال کشتی کشورمان را از این همه بحران جهانی و امواج خروشان، به سلامت عبور دهیم. این قطعاً هنر است، اما خشن دادن به زن و بی‌توان شدن گذشتن روی نقطه ضعف‌های اخلاقی، هنر که نیست و هیچ کار پسندیده‌ای هم نیست. توی همین ماجرا که نگاه علمی تصدیق می‌کنید که فاشه‌خیز نامیدن فلان خانم، مردی از ما دو تکره، هیچ، برای و چه‌ما نیز در سطح بین‌المللی خوب نبوده است، اتقدر که شگوهی و ازتار خارج ما می‌کشد، کرد از این نوع ادبیات اعلام برات کند. توی جهان غرب و شرق فاشه کم نیست، اتفاقاً بعضی از آنها نواستند، در ما دو دستگاه سیاسی نیست، فاشه‌خیز می‌باشد، اما ما که محتسب جهان نیستیم و قرار هم نیست که در سطح بین‌المللی گشت ارشاد راه بیندازیم. از این سطح مناسبات دیگری کشف‌مفرسات و خصوصیات اخلاقی دلی به ما ندارد. اینجا ما با ادبیات دیگری بحث و می‌تیم تا مشکلاتمان را حل کنیم. بعد هم اگر به این وادی بپیچیم و مجبور شویم که به خلایق سیاستمداران گیر بدهیم، دیگر در این جهان پنهانر کسی برمانی نمی‌ماند. یکبار بر مضح امتحان از این زاویه به کشورهای متحد و دوستان نگاه کنید تا ببینید که بهتر است از ورود به این حوزه‌ها چشم‌پوشی کنیم. از آن طرفش هم هست. اخلاقی قایل بودن سیاستمداران به دردی از ما دو نمی‌کند. در بزشکی به دنبال چشم‌پوشی طلب می‌گردیم و به اعتقاد و اخلاقی کاری نداریم. حتی برای ملدای اولیاءالله طبیب بود و نصرانی برده‌اند. در مهندسی هم همین طور، تخصص مهندس به مراتب مهم‌تر از خلق خوش مهندس است. مهندس با مهندسی اخلاقی ما پیش‌ترقی است و فعلاً هم پیش نمی‌رود. ما نمی‌توانیم با اصول خودمان زن غیرمسلمان را مستحق کرد بدانیم. ضمن اینکه اصولاً ما کارهای فاشی که کسی را به مرگ می‌کشیم، این احکام را باید قانعی صادر کند و تازه فقط برای مردم خودمان است که حکمش نافذ است، نه برای زن سارکوزی یا زن ره‌نیش‌جمهور دوست و دشمنی.

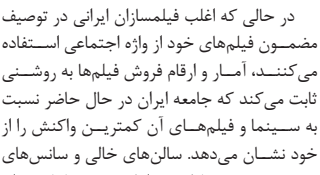
گزارش آخر: دومین جشنواره ادبی هامبورگ میزبان داستان خوانی نویسندگان ایرانی می شود

روایت مهاجران و عاشقانه‌هایشان

بر اساس این گزارش در روز پانجمه (۱۱ سپتامبر) محمود فلکی یکی چهره این ایرانی حاضر در ششوازه ماهورگی که پیش‌های این زمان «مرگ یک کارولا» را خواهد خواند، رمان «مرگ یک کارولا» که از منظر چند رانوی روایت می‌شود، توسط انتشارات سوزده در آلمان، و به زبان آلمانی با ترجمه سوزان باغستانی منتشر شده است. این کتاب که با ترجمه سوزان باغستانی به آلمانی از سوی نشر سوزده در ورلده در آلمان منتشر شده، ماجرای عاشقانه یک مهاجر است که در سه فصل نوشته شده و در آن، سالها درگیری انسان مهاجر با خود، با گذشته، با هم‌میهنان مهاجر، و با فرهنگ بیگانه، تفاوت فرهنگ‌ها و سوشوهای مهاجران بر آمده، از نظر شرایطی که باعث گدایی او می‌شود و فرهنگ خودی خودش، این رمان را بازنگری گزیده‌نویزبان می‌یابد. به گفته فلکی، این رمان ماجرای عاشقانه یک ایرانی مهاجر با یک زن آلمانی است که در سه فصل و به زاویه دید مختلف نوشته شده است. در فصل نخست، داستان از زاویه دید او - راوی به زندگی مهاجر ایرانی

پس می‌ایستاد «های‌ترین» این واقع، از دست رفتن فرزندان جوان این امیر سلطانه‌رویه. کتلل در تمام عمر خود تلاش می‌کرد که دود به فرزندان بگذارد. افزون بر کسی همبستگی، تاریخ ایران را بایام‌دو ولی هر یک از این سر و دو دختر، در دوران انقلاب برای جانگانه از دیگری و پدر برمی‌گزیند. پس همان‌وقت از رمان دولت‌آبادی، دیدگان فعال جریان‌های سیاسی ایران، برعه می‌گذرد از دیکتاتوری شاه به «انقلاب اسلامی» استبداد دولت‌آبادی با همین دید، بران خود تاریخ معاصر ایران را هم بررسی می‌کند که به قول اوی «... شبیه یک دهن‌دانه بود. درباره کیشش می‌شد تهرنبندی کرد. یک عده می‌گفتند کاله و یک عده می‌گفتند رسیده است. کسی هم یک چاقوی شمشیر داد به اندازه کافی بدلیل، تاریخ نداشت که چاقوهای رامن و ساد و ساد که به همین قریل، جابج‌برنده می‌باشد...» این رمان برخلاف دیگر آثار دولت‌آبادی که در آنه استاف می‌افتند، یک رمان ششیری است و موضوع آن شخصیت اسب‌پسیده و آزاد‌پسیده رمانی است که در اثر حوادث تاریخی، زندگی‌اش نابود شده است.

عینا اکبری

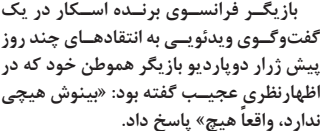


آثاری با تاثیر اجتماعی بسازند یا آنقدر ذوق زده و سطحی آثارشان را می‌سازند که تاثیری بر جامعه ندارد یا آنقدر بی‌حیا و بدون در نظر گرفتن شرایط جلو می‌روند که فیلم‌شان یا ساخته نمی‌شود یا به نمایش در نمی‌آید. الباقی فیلمسازان هم که نه امکانشان را دارند و نه جسارت که آنچنان درگیر دودوتا چهارتای اکران و دستمزد بازیگران و جور کردن سرمایه هستند که هیچ توقعی از آنها نیست.

وی باخاستن شدن سیمای ایران در پهنه جغرافیای که مردم در آن به شکل مستمری در حال دست و پا زدن و رقابت با مسائل اجتماعی هستند و در سیمایی که خبری از رقابت با فیلم خارجی با جذابیت‌های فرامتنی نیست، سیمای ایران با افت قدرت اجتماعی که در کار را به نفع رسانده که در مملو ترین ساعتهای روز و شب که در جایی خیابان‌ها از ازدحام عموگ رفتن می‌شود و مکان‌ها عمومی به شکل گسترده‌ای شاهد حضور مردم هستند، سیمای خلوت و سالن‌ها خالی‌اند. مدیریت سیمای سیمایی و فیلم ساختن برای چنین سالن‌ها، کار سختی نیست؛ فیلمسازانی بدون تاثیر و سیمای منفعل مردم را در این سیمایها به چه چیزی می‌گویند. در روزگار پاشنکی سرگرمی می‌های ارزان این فیلم‌های سرد که داستان‌ها برای مردم در ایران امروز که در جهانی به هیویت اتفاق می‌افتد، برای تماشاگر ایرانی چیزی ندارد که بخواد در دیدن در، در شهر شلوغ خودش را به آب و آتش بزند. اگران ۲۲ فیلم ایرانی از ابتدای سال جاری تاکنون با ارقام رقمی تقریباً ۱۰۰ میلیارد ریالی است و به نظر می‌رسد بازتاب شایه اول سال ادامه داشته باشد. نفروختن فیلم‌ها از یک‌سو و همچنین خیرهای ناخوشایند اقتصادی که از بازار نمایش خنکی می‌رسد، همدار چندی است که در صورت یی توجهی نه این سیمای ایران را با چالش جدی روبه‌رو خواهد کرد. این آلا علاج این بحران خاتمان برانند؟ چیزی جز بالا بردن تاثیر اجتماعی سیمای چیست؟ کاری که مدیر هوشمند فرهنگی و سینماگر دلسوز و سیماساز می‌خواهد، این آچته سیمای ایران از این دو گروه خالی شده، اگر پاسخ منفی است: کو و اگر مثبت است، کو؟

پی‌ری پی بدون مخاطب در اینک سیمینا خبر از قطع رابطه سیاسی با مردم می‌دهد. اینک سیمینا دولتی و اجرای بی‌درباری سیمینا با اعتراضات متفاوت فرهنگی با روش ژولتی و خطا در راه محافظه‌کاری حرف‌های و رویکرد اقتصادی اغلب فیلسازان زمینه کارهای شدید ارتباط اجتماعی سیمینا را فراهم کرده، پشت تا‌های نیست. سیمینا اجرای آن ساهت است و پیروان آن که با نمایش آن صحنه فکری جامعه مستخوش‌ناتیر شده و نیزه‌های اجتماعی به واکش وادار شوند، خلق نکرده فیلم برپوشه، فیلم حرف‌های و فیلم جنجالی اشتباه‌ای اما که تبدیل شده، مثالی ندارد. بدین شک به دست آوردن تأمل اجتماعی برای هر فیلساز از طریق تفکر و تحقیق در جامعه به دست می‌آید. این فکر زمانی می‌تواند به اثر اصلی و تأثیرگذار تبدیل شود که فکری نامناسب و باطل و اصول و دغدغه آن را به فیلم تبدیل کند و آن اثر زمانی را در جامعه تأثیرگذاری اجتماعی می‌شود که در زمان و شرایط مناسب به جامعه عرضه شود. مرور همین موارد ساده نشان می‌دهد که تست فیلم تأثیرگذاری سیمینا اجرای بی‌دقت بوده‌ای است. کدام فکر؟ کوه‌صلا؟ و با تکیه بر کدام محیط؟ در سیمینا ایران تنها تعداد معدودی از فیلسازان مجاز به ورود به حرم بحث‌های اجتماعی هستند. این گروه که در طول سال‌های اخیر برپاردی خود را به اثبات رسانده‌اند، ساهت ساهای گذشته با به دنبال موفقیت‌های اقتصادی از طریق ساخت فیلم‌های بی‌دردسر هستند یا مشغول پروژه‌های بزرگ و جمع‌آوری سرمایه‌های پررنگی در نو تولیدی و ساخت و مساعی برای نو تولیدی‌های امرامعاش بدین دغدغه، از انتخاب کرده‌اند. گروهی از فیلسازان جوان نیز که سعی می‌کنند

ژولیت بینوش



کرده است. من دوپادریار از نینی شناسم و نینی دامن داید با ک
خوشه کلمه. این را در ک می کنم که مجبور نیستی از هر کس
چیزت بپایید و بناید فیلم های ک نفر را دوست داشته باشی
اما خستون حرف های او بایم قایل در دست. ما فقط با ک
بیا هم خام شور حدایم و آقای دوپادریو در آنجا به من گفت: «شما
همیشه فیلم های فشنکی بازی می کنید.» من هیچ جوابی به این
حرف نداشتیم چون درست نفهمیده بودم که منظور از این
حرف چیست. بعرض فکر کردم پس منظور این بوده. مگر
فراست آدم فیلم های غیر فشنکی بازی کند؟ فکر کنم بی اینکه



عوادیا یوسف
چه می کند
هارون یشایایی

هارون یشایایی

ایمن روزها گفته‌های «عوادیا»
یوسف» به عنوان خاشاک بزرگ
یهودیان در محافل خبری، رسانه‌ها
و دیدارهای سیاسی سر و صدای
زیادی به راه انداخته است. من «عوادیا»
یوسف، «از سال ۱۳۴۵ به به تهران
آمده بود و اینجا و آنجا سخنرانی
کرد، از نزدیک دیدم. رفتار او نه مثل یک روحانی یهودی
که ما در ایران دیدهایم و می‌شناسیم، بود بلکه او خود را در مقام
یک پادشاهی می‌دانست. ظاهر او یک کاهن یاخانه‌ها و گفتارش به
روایت مزماریه حضرت داوود «چون پادشاهی جان» بود. نگاه
او آشوبگرانه و آشکارا نژادپرستانه است. جالب این نگاه
ژادپرستانه به نگاهی ضدهیودی هم تبدیل می‌شد و می‌شود.
گر و او امروزه برای دومین بار در فاصله‌ای اندک از ادبیاتی خشن
بی‌پروفرمان نسل‌کنشی مردم فلسطین را صادر می‌کند، همان
کسی است که در سال‌های اخیر چندین مرتبه تکرار کرده که
کشتار یهودیان در اروپا و در جریان جنگ جهانی به وسیله
نشیست‌های هیتلری مشیت الهی بوده است و یهودیان کفار
گناهان خود را داده‌اند و گویا در سده شستهارم امروزی این کار
رو داده‌اند و از حالا به بعد کار و طاهر و بی‌غیبه
نشان دهد هر که و هرچه غیر از خود است را از دین بی‌گناهند. این
پرنز تفکر و در گیر و دار حوادث خاورمیانه با تشکیل حزب
«شناس» عملا از کسوت یک روحانی و رهبر مذهبی به یک
سیاستمدار فرستعلب و ضد یهود تبدیل شد و با فرستادن چند
ماینده به مجلس اسرائیل جسارتی ژادپرستانه و افروغی
خود را شدت بخشید و از گروه‌های مختلف سیاسی در اسرائیل
و لای‌های یهودیان در اروپا و آمریکا بازخواری کرد و کار و
خار خود را رونق داد. یهودیان این نخست‌وزیر اسرائیل و
این مقامات متبعی می‌کنند از «عوادیا یوسف» فاصله بگیرند
از او و گفته‌هایش تبری جویند، ولی جریان سیاسی حاکم
با حکومت‌های اسرائیل به طور کلی در قاطعیتی با این خام
فرستی هر دو یک آبشخور دارند. در واقع حرف‌های «عوادیا»
«یوسف» که به دروغ گدین یهود به آن می‌دهند، تنور
کردن یا کلاه شرعی درست کردن برای تجاوز به حقوق مردم
فلسطین توسط نظامیان و سیاستمداران افراطی اسرائیلی است
سعی در توجیه اشغالگری تبری اسرائیل در جنگ‌های ۱۹۴۷
که همه مردم جهان و مجامع بین‌المللی و بخشی گسترده‌ای
یهودیان جهان آن را محکوم کرده‌اند. دولتمداران دست‌انگیزی
خودشسته اسرائیلی، دست در دست افراطی‌ترین گروه‌های
اصطلاح دین یهود در «عوادیا یوسف» می‌خوانند
نجات خود علود در تجاوز به حقوق مردم فلسطین و ادامه
شهرک‌سازی در مناطق اشغالی را مخفی کنند.

